

تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۷/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۹/۱۰

جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران

(روش‌ها، ابزارها و راه‌کارها)

دکتر محمدعلی بصیری^۱

چکیده

در عصر انقلاب ارتباطات و اطلاعات کشورهای که ابزار و سهم و توان بیشتر در استفاده از آن را داشته باشند، جهت دستیابی به اهداف خارجی خود موفق‌تر عمل می‌نمایند. آمریکا و متحدین غربی آن در این شرایط مناسب و با امکانات ارتباطی - اطلاعاتی برتر جهت سلطه فرهنگی - تمدنی از این محیط با جنگ نرم برای اضمحلال و به حاشیه راندن رقبای فرهنگی - تمدنی خود در جهان اقدام نموده‌اند. جمهوری اسلامی ایران به‌طور خاص و جهان اسلام به‌طور عام مورد هجوم جنگ نرم غرب قرار گرفته‌اند.

در جنگ نرم با استفاده از جنبه‌های برتر فرهنگی، تمدنی، علمی و فنی خود برای تأثیر بر فکر و اندیشه دشمن و به تبع تغییر رفتار او تلاش می‌شود. با استفاده از ابزارهای نوین ارتباطی (مثل ماهواره، اینترنت و...) و تکنیک‌های پیچیده روان‌شناسی و جامعه‌شناسی با تأکید بر نقاط قوت عناصر قدرت نرم خود و نقاط ضعف عناصر قدرت نرم دشمن او را خلع سلاح فکری و اندیشه‌ای نموده و رفتار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی او را به نفع خود تغییر می‌دهد. در نتیجه به صورت مسالمت‌آمیز جریان سیاسی و یا نظام سیاسی مطلوب خود را روی کار آورده تا منافع حداکثری خود را تأمین نماید.

سؤال اصلی این مقاله این است که جنگ نرم غرب، سازکارها و ابزارهای آن علیه ج.ا.ایران

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

چیست؟ فرضیه اصلی ما این است که جنگ نرم یک حرکت پیچیده فکری، فرهنگی با استفاده از سازکارها و ابزارهای ارتباطی نوین از طرف غرب علیه ج.ا. ایران شکل گرفته است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: جنگ نرم، روش‌ها، ابزارها، راه‌کارها، جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

گرچه جنگ نرم (soft war) مانند جنگ سخت (Hard war) قدمت آن به تولد تاریخ بشری بازمی‌گردد، ولی با تحولات علم، تکنولوژی و ارتباطات در این حوزه شکل آن نیز تغییر کرده است. شکل مدرن به کارگیری جنگ نرم به دهه ۷۰ میلادی باز می‌گردد. در این دهه آمریکا کمیته‌ای به نام «کمیته خطر جاری» در اوج جنگ سرد تأسیس می‌نماید. در دهه ۸۰ فعالیت آن گسترده شد و با مشارکت اساتید برجسته علوم سیاسی و مدیران سابقه‌دار سازمان سیا و پنتاگون به برنامه‌ریزی اقدام می‌کند. این کمیته در زمان اصلاحات گورباچف (پروستوریکا و گلاسنوست) جنگ سخت (نظامی - اقتصادی) را علیه شوروی منتفی دانسته و جنگ نرم را برای براندازی با سه راهبرد ۱- دکترین مهار، ۲- نبرد رسانه‌ای، ۳- نافرمانی مدنی که در نهایت به فروپاشی شوروی منجر می‌گردد، مدیریت می‌کند.

مطالعات

قدرت نرم

در طول سی سال گذشته غرب به رهبری آمریکا عملاً جنگ نرم مدرن را علیه جمهوری اسلامی ایران شروع نموده است. ولی در دهه اخیر پس از ناکامی‌ها در جنگ سخت (نظامی - اقتصادی) علیه ایران به کارگیری این جنگ با تحولات ارتباطی - اطلاعاتی را به اوج خود رسانده است. جنگ نرم سی ساله غرب علیه جمهوری اسلامی به دو نوع جهان بینی مادی و الهی باز می‌گردد.

سال دوم / شماره پنجم / بهار ۱۳۹۱
جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران

قران کریم نیز هزار و چهارصد سال قبل به جنگ نرم تضاد اصلی اسلام و کفر اشاره می‌کند «لا يزالون یقاتلونکم حتی یردوکم عن دینکم ان استطاعوا» (بقره: ۲۱۷)، «دشمنان دائماً با شما در حال جنگ (نظامی - اقتصاد و فرهنگی) تا شما را از دینتان برگردانند اگر بتوانند.» و یا می‌فرماید: «لن ترضی الیهود و انصاری منکم

حتی تتبع ملتهم» (بقره: ۱۲۰)، «یهود و نصاری از تو راضی نمی‌شوند تا این که تو از دینت دست برداری و به دین آن‌ها درآئی.»

دنیاى مدرن به جهان براساس سکولاریسم (دنیاگرایی و قطع رابطه با ماوراءالطبیعه یعنی خدا، انبیاء، معاد...) می‌نگرد. به اعتقاد غرب مدرن دنیا خودش می‌تواند خود را تبیین کند. علم‌گرایی تجربی سکولار خود خدا می‌شود. این علم (تجربی) حس‌گرایی محور است (چون خدا و معاد را با خدای حس و تجربه نمی‌شود اثبات کرد پس باید کنار گذاشت. بعد هم می‌گوید حرف‌های دین (جهان‌بینی الهی) علمی (تجربی) نیست پس باید آن را کنار گذاشت.

اندیشه علم تجربی اثبات‌گرا (پوزیتیویستی) است. مدعی است تنها ملاک حقیقت علم حسی است. علم دین چون از راه تجربه حسی قابل اثبات نیست را غیر حقیقی می‌داند. به تبع عالم ماوراء را قبول ندارد و به مبارزه علیه آن می‌پردازد. در نتیجه آثار دین‌ستیزی، بی‌تقوائی، بی‌عدالتی... را در دنیا به دنبال می‌آورد. هدف را در دنیا پیشرفت (مقابله با عقب‌ماندگی) تعریف می‌کند. در این دیدگاه دستیابی به پیشرفت یعنی رسیدن به هدف است. کشورهای پیشرفته گروه هشت به این هدف رسیده‌اند.

بنابراین دو نوع نگاه ۱- نگاه دینی به عالم (اسلام)، ۲- نگاه مدرن (غرب) امروز شاخ به شاخ یکدیگر شده و جنگ نرم در این حوزه مطرح است. جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب پرچم دار نگاه اندیشه دینی به عالم (اسلام) و در مقابل غرب به سرکردگی آمریکا با نگاه اندیشه مدرن (لیبرال دموکراسی ۱) به تقابل پرداخته است. ایران نظم نا عادلانه بین‌المللی موجود، سلطه قدرت‌ها بر سازمان ملل متحد که نتیجه ناشی از آن سلطه‌گری، استعمار با اشکال مختلف آن، جنگ، فقر و تبعض شده است را به چالش کشیده است. ریشه این مسائل را در اندیشه‌های ماتریالیستی حاکم بر جهان (سوسیالیسم شرق و لیبرال دموکراسی غرب) می‌داند که با تحول در این مبانی فکری و حاکمیت اکثریت (ملت‌ها) به جای مافیای قدرت سرمایه‌داری

۱. گرچه در دو دهه اخیر مباحث علم پست مدرن در غرب مطرح شده است ولی همچنان مبنی و عملکرد سیاست بین‌الملل قدرت‌های غربی مبتنی بر علم مدرن می‌باشد.

لیبرالیسم - صهیونیسم) می‌توان جهانی بهتر داشت. در حالی که غرب با این حرکت و طرز فکر احساس تهدید و خطر نموده با تمام توان قدرت نرم خود به جنگ با آن برای مهار یا فروپاشی برخاسته است. در دکترین آمریکا مطرح است ایران امروز یک قدرت فرهنگی سیاسی، نظامی و اقتصادی شده است و دیگر پس از سه دهه تجربه و شکست نمی‌توان آن را از طریق جنگ سخت نابود کرد. باید از طریق جنگ نرم یعنی تجربه موفق علیه شوروی سابق با پیشرفت‌های جدیدی که در این حوزه شکل گرفته آنرا از درون فروپاشید. ایران در سه دهه گذشته با قدرت نرم خود و به‌کارگیری آن علیه غرب و آمریکا باعث ایجاد بحران مقبولیت و محبوبیت برای آمریکا در نظام بین‌الملل شده است. حس تنفر علیه آمریکا در جهان ایجاد کرده که باید با همین قدرت (نرم) با آن مقابله و آنرا مهار و متزلزل کرد.

آقای جوزف نای تئوریسین به‌کارگیری قدرت نرم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در مقاله خود در سال ۱۹۹۰ می‌گوید: «آمریکا تنها ابرقدرت دارای حداکثر قدرت سخت و قدرت نرم است.» وی معتقد است از سال ۱۹۷۹ آمریکا با تحریم‌های اقتصادی برای مهار ایران حرکت کرده و نتیجه نگرفته است. (نای، ۱۳۸۴: ۲۶-۲۴) تنها راه مهار ایران از طریق قدرت نرم آمریکا است که هزینه کمتر و نتیجه بهتر و سریعتر می‌دهد. (مانسون، ۲۰۰۵: ۲-۳)

دو تغییر اساسی در دو دهه گذشته یعنی ۱- جهانی شدن، ۲- انقلاب تکنولوژیک (اطلاعات و ارتباطات) زمینه استفاده از قدرت نرم را بیش از پیش برای همه از جمله آمریکا مهیا کرده است.

I- تعریف اصطلاحات:

برای ارائه تعریف جنگ نرم لازم است ابتدا به مقوله‌های قدرت نرم، تهدید نرم، جنگ نرم و پس از آن به منابع قدرت نرم، و در نهایت تاکتیک‌های آن اشاره شود.

۱- قدرت نرم

قدرت به دو گونه قدرت سخت و قدرت نرم قابل تقسیم است. تعریف از قدرت

سخت متنوع است. مثلاً راسل (Russell) می‌گوید: "پدید آوردن آثار مطلوب؛ یا ریمون آرون (Raymond Aaron) می‌گوید: "سلطه انسان بر انسان؛ یا گالبرایت (Galbright) می‌گوید: "توانائی فرد یا گروه در کسب تسلیم و اطاعت دیگران؛" دال (Dull) می‌گوید: کنترل رفتار دیگران. از قدرت نرم نیز تعاریف مختلفی ارائه شده است، مثلاً جوزف نای (Joseph Nye) در این زمینه می‌گوید: قدرت در حال گذار از غنای ثروت به غنای اطلاعات است. (نای، ۱۳۸۲: ۱۴۹) تعریف دیگر قدرت را به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱- قدرت سخت مبتنی بر زور و تهدید

۲- قدرت اقتصادی مبتنی بر هزینه و تطمیع

۳- قدرت نرم مبتنی بر جاذبه (تغییر فکر- اندیشه و عمل) که آنرا قدرت برتر جهان می‌داند. (رنجبران، ۱۳۸۸: ۲۸)

"قدرت نرم توانائی به دست آوردن خواسته‌ها از طریق مجذوب کردن (به جای اجبار و یا امتیاز) است که از طریق جذابیت‌های فرهنگی، ایده‌های سیاسی و ... شکل می‌گیرد. (کلاهچیان، ۱۳۸۷: ۱۷۲) تعریف دیگری می‌گوید: "قدرت نرم یعنی توانایی رسیدن به اهداف مورد نظر از طریق جلب دیگران به جای استفاده از زور." (جعفرپور، ۱۳۸۷: ۳۱۳) سون تزو چینی نیز در سال ۲۵۰ قبل از میلاد به قدرت نرم یعنی روش غیر نظامی سلطه (قدرت نرم) بر دشمن اشاره دارد و می‌گوید: "یک صد پیروزی در یک صد جنگ این مهارت و موفقیت نیست موفقیت در این است که دشمن را بدون درگیری تسلیم خود کنی." (مانسون، ۲۰۰۵: ۱) تعریف دیگر می‌گوید قدرت نرم توانائی شکل‌دهی بر توجی‌هات دیگران است جنس قدرت نرم نه زور است نه پول بلکه سرمایه‌گذاری روی ذهنیت و ایجاد جذابیت برای ایجاد ارزش‌های مشترک است. (سلطانی‌فر، ۱۳۸۷: ۲)

۲- تهدید نرم

پس از ارائه تعاریف مختلف از قدرت نرم لازم است به مقوله تهدید نرم اشاره گردد. وقتی بحث از امنیت می‌شود یعنی "فقدان تهدید" علیه سیستم سیاسی،

فرهنگ، منابع قدرت (مادی یا معنوی) و... می‌باشد. تهدید یعنی لطمه زدن یا کاهش ضریب امنیت (مادی یا معنوی) یک ملت-کشور می‌باشد. تهدید سخت افزارانه امنیت علیه منابع ملموس قدرت (مادی) یک کشور مانند مردم، سرزمین، منابع و نیروهای مسلح بروز می‌کند. در حالی که وقتی بحث از تهدید نرم علیه امنیت یک کشور می‌شود یعنی تهدید علیه منابع غیر ملموس قدرت (معنوی) یک کشور مانند سیستم سیاسی، فرهنگ، ایدئولوژی، اعتقادات و دین شکل گرفته است. تهدید حالت بین صلح و جنگ است. مرحله قبل جنگ که بعضاً آن را بحران نیز می‌نامند. تهدید نرم در واقع حرکتی است که اگر عملی شود موجب دگرگونی هویت، فرهنگ و الگوی رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی می‌شود. تهدید نرم حرکت اولیه است که اگر کامل شود باعث سلطه کامل بر ابعاد سه‌گانه (غیر مادی) حکومت-اقتصاد و فرهنگ می‌شود. استحاله و دگرگونی زیر ساخت‌های فکری، باورها، الگوی رفتاری در حوزه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در نهایت به ارمغان می‌آورد. به عبارت دیگر تقویت و استمرار بحران‌های شش‌گانه (بحران هویت، مقبولیت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ و توزیع لوسین پای) را تحقق می‌بخشد. تغییرات ناشی از تهدید نرم ماهوی، ذهنی، تدریجی و نرم افزارانه است. کاربرد تهدید نرم منجر به حذف باورمندی نخبگان و مردم یک نظام سیاسی و سلب اراده و روحیه مقاومت و در مجموع استحاله فرهنگی-سیاسی را به دنبال دارد. تهدید نرم مؤثرترین، کارآمدترین، کم هزینه‌ترین و در عین حال خطرناک‌ترین و پیچیده‌ترین نوع تهدید علیه امنیت ملی یک کشور است. تهدید نرم عملی شده در پایان روحیه ملی و مقاومت را نابود می‌کند. (نائینی، ۱۳۸۷: ۳۰۲)

مطالعات

قدرت نرم

سال دوم

شماره پنجم

بهار ۱۳۹۱

جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران

۳- جنگ نرم

پس از تبیین قدرت و تهدید نرم در این جا به مقوله جنگ نرم می‌پردازیم. جنگ در مقابل صلح است. زمانی که صلح برقرار است جنگ منتفی است. کنار گذاشتن صلح به تهدید (بحران) و اجراء تهدید به جنگ منجر می‌شود. اگر چه تحقق این مفاهیم مطلق و صد در صد نبوده و نسبی است که از لحاظ مفهوم شناسی

بحثی مستقل می‌طلبد و جای آن این‌جا نیست. ولی جنگ به معنی عام نفی صلح است. جنگ نیز دو بعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دارد. جنگ سخت‌افزارانه یعنی هجوم، اشغال یا ضربه زدن به منابع مادی قدرت یک ملت (مثل سرزمین، جمعیت، منابع طبیعی، صنایع، تکنولوژی و نیروهای مسلح) و جنگ نرم بعد دیگر جنگ است یعنی هجوم، ضربه زدن و نابود نمودن منابع معنوی قدرت یک ملت (مانند فرهنگ، علم، ایدئولوژی، دین و اعتقادات، روحیه ملی و اعتماد به نفس و ...) می‌باشد. جنگ نرم شامل هر گونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای که جامعه هدف یا گروه هدف را بدون درگیری نظامی و گشوده شدن آتش، رقیب را به انفعال و می‌دارد. (ماه‌پیشانیان، ۱۳۸۱: ۷۴-۵۷) در واقع هجوم به منابع نرم قدرت یک ملت یعنی تخریب فرهنگ، اعتقادات، دین و ایدئولوژی یک ملت و جایگزینی آن با منابع معنوی قدرت دشمن را می‌توان تحقق جنگ نرم نامید.

جوزف نای سه دسته جنگ معرفی می‌کند:

۱- جنگ سخت (اشغال سرزمین و ایجاد حکومت)

۲- جنگ نیمه سخت (ایجاد دولت دست‌نشانده و تصرف بازار اقتصادی)

۳- جنگ نرم (تسخیر قلوب و اذهان) (نای، ۱۳۸۴: ۲۴)

در واقع هدف در جنگ سخت تسخیر سرزمین (استعمار قدیم) و نیمه سخت تسخیر بازار (استعمار نو) می‌باشد در حالی که در جنگ نرم هدف تسخیر اذهان و قلوب (استعمار فرانو) می‌باشد. نتیجه جنگ نرم خلع سلاح فکری، اعتقادی، فرهنگی و ارزشی یک جامعه و منفعل نمودن آن است. حداکثر نتیجه یک جنگ نرم جایگزینی فرهنگ، اعتقادات، افکار و ارزش‌های دشمن در قلب و ذهن و افکار یک ملت رقیب و پیرو خود کردن آن‌ها می‌تواند باشد.

۴- منابع قدرت نرم

منابع قدرت نرم هر کشور متنوع می‌باشد ولی اهم آن‌ها عبارتند از:

الف) فرهنگ، ب) اقتصاد، ج) ارزش‌های سیاسی، د) سیاست خارجی.

الف) فرهنگ شامل بخش‌های جذابی مانند (هنر شامل: سینما، فیلم، سرگرمی،

موسیقی و تئاتر و هنرهای نمایشی - رسانه‌ها شامل: رادیو، تلویزیون، روزنامه، مجلات، اینترنت، ماهواره، دانش و ورزش - غذاها و لباس‌ها شامل: شکل، مدل و ترکیب غذاها و مدل، رنگ و طرح‌های لباس و پوشش - موقعیت ممتاز فرهنگی شامل: آثار باستانی، گردشگری، بزرگان ادبیات هنر و علم، شعر، رمان، موسیقی، هنر - تعداد محصولات فرهنگی شامل (تولیدات علمی، تعداد و رتبه دانشگاه‌ها، مراکز علمی و تحقیقاتی) - ورزش شامل (رشته‌های مختلف ورزشی، کسب مدال‌ها) می‌گردد.

به‌عنوان مثال آمریکا چهار حرکت فرهنگی: ۱- فرهنگ داووس (شهری در سوئیس است که نخبگان پولدار جهان، بهترین امکانات را در آن‌جا دارا می‌باشند)، ۲- فرهنگ دانشگاهی (تعداد تحصیل‌کردگان در آمریکا از مناطق مختلف جهان بسیار بالاست)، ۳- فرهنگ جهانی مک دونالد (مک دونالد یعنی غذا به‌همراه رقص راک و ارزش‌های آمریکائی که به مصرف‌کننده منتقل می‌شود)، ۴- فرهنگ پروتستانیسم اوآنگلیک (Evangelical Protestantism) (مذهب پروتستانیسم مورد نظر ماکس وبر یعنی دنیاگرایی می‌باشد). (رنجبر، ۱۳۸۸: ۶۷)

فرهنگ آمریکائی درخشندگی آن ناشی از مادی‌گرایی، سکس، خشونت، و پوچ‌گرایی است که عامه مردم معمولاً به آن تمایل دارند و در این بستر ارزش‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آمریکایی منتقل می‌شود. از دید ژوزف نای معیارهای فرهنگی قدرت نرم آمریکا شامل ۱- رتبه اول جذب مهاجر خارجی، ۲- رتبه اول تولید فیلم، ۳- رتبه اول جذب دانشجوی خارجی (۲۸٪ دانشجویان خارجی جهان را جذب می‌کند) ۴- رتبه اول جذب محقق خارجی، ۵- رتبه اول چاپ کتاب، فروش موسیقی و حضور در اینترنت و وب - کسب جوایز نوبل فیزیک و شیمی، اقتصاد، ادبیات، ۶- رتبه اول تولید مقاله علمی را دارا می‌باشد. (رنجبر، ۱۳۸۸: ۷۶)

الیگا گریگ (Eligah Graig) معتقد است فرهنگ آمریکایی دومین فرهنگ هر کس در دنیا شده است و از این طریق می‌تواند رفتار آن‌ها خصوصاً ایرانیان را منطبق با رفتار آمریکائی کرد. (مانسون، ۲۰۰۵: ۱۶)

ب) اقتصاد منبع دوم قدرت نرم یک کشور شامل کارآئی اقتصادی، میزان مبادلات

تجاری، ارزی، سرمایه‌گذاری، رفاه، امید به زندگی، پائین بودن بیکاری، دارا بودن مزیت نسبی تولید و توزیع کالا و خدمات هنری، صنعتی، کشاورزی خصوصاً هنری) - کمک اقتصادی به دیگر دولت‌ها می‌گردد (مثل کمک‌های اقتصادی که آمریکا به متحدین خود و چین به‌عنوان رهبر جهان سوم به این کشورها خصوصاً در آفریقا و شوروی سابق به دولت‌های چپ می‌کرد). (صباغیان، ۱۳۸۸: ۵۹-۵۸)

ج) ارزش‌های سیاسی منبع سوم قدرت نرم نوع حکومت، میزان تأثیرگذاری بر افکار عمومی، رعایت حقوق بشر، کارآمدی و پاسخگویی قضائی، رعایت عدالت، جذب مهاجر و توریسم، جذابیت ایدئولوژی، کمی جرم و جنایت در کشور، ارزش‌هایی مانند آزادی (بیان - سیاسی - فردی)، قانون، اخلاق و اعتقادات دینی (زرشناس، ۱۳۸۷: ۹) تأثیرگذاری و شکل‌دهندگی به تصمیمات سیاست‌نهادها و حقوق بین‌الملل از تجلیات این مسأله است. مثلاً آمریکا و بریتانیا به دلیل سیاست خارجی خوبی که داشته‌اند نقش عمده‌ای در تأسیس نهادهای بین‌الملل (سازمان ملل، صندوق بین‌الملل پول، بانک جهانی) داشته و تا کنون در هدایت و رهبری آن بازگیری می‌نمایند. جوزف نای می‌گوید: «پس از حمله آمریکا به عراق و اشغال این کشور، قدرت نرم آمریکا در افکار عمومی اروپا و مسلمانان ۳۰ درصد کاهش یافته است. برای رهائی از این وضع با کاربرد دیپلماسی عمومی و ترویج ارزش‌های لیبرال دموکراسی - حقوق بشر - کمک‌های انسان‌دوستانه می‌توان این ضعف را جبران کرد.» (نای، ۱۳۸۳: ۲۲-۲۱) حجم تعامل با دیگر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، ارائه کمک انسان‌دوستانه، حجم مبادلات و مناسبات فرهنگی، ارتباطات دیپلماتیک مطلوب و گسترده، اتخاذ استراتژی مقبول در مسائل جهان، برگزاری کنفرانس‌ها و نمایشگاه‌های موفق بین‌المللی از دیگر مصادیق ارزش‌های سیاسی می‌باشد.

د) سیاست خارجی (دیپلماسی عمومی) منبع چهارم قدرت نرم سیاست خارجی است که در صورت قانونی و مسئولانه بودن جایگاه قدرت نرم خوبی به آن کشور می‌دهد.

۵- تاکتیک‌های جنگ نرم دولت‌ها در جنگ نرم از تاکتیک‌های روانی -

جامعه‌شناختی خاصی علیه دشمن استفاده می‌نمایند. اهم این تاکتیک‌ها را می‌توان شامل: ۱- برچسب زدن، ۲- تلطیف و تنویر مسائل خاص، ۳- انتقال، ۴- تصدیق دیدگاه خود، ۵- شایعه پراکنی، ۶- کلی‌گوئی برای توجیه تحلیل خود، ۷- دروغ بزرگ درست کردن، ۸- پاره حقیقت‌گوئی جهت برحق جلوه دادن خود، ۹- انسانیت‌زدائی و اهریمن‌سازی از دشمن، ۱۰- ارائه پیشگوئی‌های فاجعه‌آمیز از دشمن، ۱۱- قطره چکانی اطلاعات درست را دادن، ۱۲- حذف (سانسور) اطلاعات مضر به خود، ۱۳- ایجاد تفرقه و تضاد در نیروهای رقیب، ۱۴- استفاده از ادبیات سیاه‌نمائی دشمن، ۱۵- ترور شخصیت دشمن، ۱۶- تکرار یک خبر و تحلیل و ... استفاده می‌نمایند. (ورنر، ۱۳۸۴: ۱۶۰-۱۵۸)

II- روش‌های عملی جنگ نرم:

روش‌های عملی جنگ نرم را می‌توان به

۱- جنگ رسانه‌ای

۲- جنگ اطلاعاتی- روانی

۳- تهاجم فرهنگی (ناتوی فرهنگی)

۴- براندازی نرم تقسیم نمود.

۱- جنگ رسانه‌ای: یکی از روش‌های جنگ نرم جنگ رسانه است. جنگ رسانه‌ای استفاده از تمام رسانه‌ها و شیوه‌های روان‌شناختی و متخصصین صورت و تصویر و صدا جهت تضعیف چهره کشور هدف و دفاع از منافع خود می‌باشد. (رنجبر، ۱۳۸۸: ۱۹۳) متخصصین جنگ رسانه‌ای ژنرال‌های نظامی نیستند. اساتید دانشگاه‌ها و دپارتمان‌های رسانه‌ای و علوم سیاسی می‌باشند. جنگ رسانه‌ای ائتلاف میان دو کشور علیه یک کشور نیست. ائتلاف جریانی از کشورها (کشورهای غربی علیه اسلام) علیه یک کشور یا یک جریان است (مثلاً ائتلاف دولت‌های شمال علیه دول جنوب). در جنگ رسانه‌ای فقط نقاط منفی دشمن مطرح می‌شود. نقاط مثبت کشور یا جریان رقیب مطرح نمی‌شود. مثلاً جنگ رسانه‌ای غرب علیه جمهوری اسلامی ایران متمرکز است بر اتهام تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای-

نقض آزادی‌های سیاسی - مدنی - وجود بحران سیاسی اقتصادی - وجود تضاد میان مردم و حاکمیت و ... که به صورت کلیشه‌ای با تحلیل و تصاویر مختلف ارائه می‌شود. (ماه‌پیشانیان، ۱۳۸۶: ۳)

غرب با ایجاد دفاتر متعدد خبری مستقیم و غیر مستقیم، تصویب بودجه رسانه‌ای، ایجاد شبکه‌های بومی به‌عنوان ترویج دموکراسی و حقوق بشر برای ایرانیان و مسلمانان (ترویج اسلام اروپائی - آمریکا و مقابله با اسلام واقعی) حرکت می‌نماید. (شیلر، ۱۳۷۷: ۳۰-۴۰)

اعضاء این شبکه‌های خبری رسانه‌ای شامل:

- ۱- شخصیت‌های دانشگاهی - روشنفکر لیبرال و سکولار
 - ۲- صاحب‌نظران مذهبی جوان
 - ۳- فعالان اجتماعی
 - ۴- گروه‌های طرفدار جنبش زنان
 - ۵- روزنامه‌نگاران و نویسندگان میانه‌رو می‌باشند.
- اصول مورد حمایت جنگ رسانه‌ای نیز عبارتند از:
- ۱- آموزش دموکراسی
 - ۲- آزادی رسانه و مطبوعات
 - ۳- برابری جنسیتی
 - ۴- هواداری سیاسی از اسلام سکولار
 - ۵- معرفی چهره خشن از اسلام و شخصیت‌های اصلی آن در غرب
 - ۶- معرفی مجاهدین مسلمان به‌عنوان تروریسم و مقایسه اعمال آن‌ها با مجاهدین صدر اسلام و زیر سؤال بردن کلی اسلام و اصول آن (مثل جهاد شهادت). (کاگان، ۲۰۰۶: ۵)
- ۲- جنگ اطلاعاتی - روانی: جنگ اطلاعاتی - روانی روش دوم جنگ نرم است. نبرد اطلاعاتی ناشی از موج سوم (انقلاب اطلاعات و ارتباط) است. گرچه نبرد اطلاعاتی - روانی از قدیم بوده است ولی با انقلاب در این حوزه به اوج کاربرد آن

رسیده است. مورگان می‌گوید: جنگ اطلاعاتی تنشی منطقی میان حریم خصوصی و امنیت ملی به وجود می‌آورد. در این جنگ تلاش برای از بین رفتن مرزهای جنگ و صلح می‌باشد. هدف جلوگیری از جنگ سخت- تحریف و سردرگمی دشمن و کنترل حاکمیت بر مردم می‌باشد. هدف نهائی جنگ اطلاعات کشتن دشمن نیست بلکه تحت کنترل درآوردن اوست. نبرد اطلاعات به روش تفکر و تصمیم‌گیری انسان مربوط می‌شود که در آن نفوذ می‌کند و در تصمیمات مؤثر بر جنگ و صلح او تأثیر می‌گذارد. تلاش اصلی تأثیر بر جنبه‌های روانی فرماندهی صلح و جنگ است. میدان این نبرد امواج ماهواره‌ای و اینترنتی است اشکال جنگ اطلاعاتی- روانی شامل جنگ الکترونیکی- جنگ روانی- جنگ سایبر و ... می‌باشد. (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۵۶) الیجاه گراگ (Elijah Graig) در مقاله خود می‌گوید: "آمریکا باید در جنگ اطلاعات علیه ایران پیروز شود. پنجره فرصت‌های اصلاح مسالمت‌آمیز در تهران معلوم نیست در آینده باز باشد. بنابراین آمریکا باید به شکل تهاجمی به تبلیغ و رشد فرهنگ، ارزش‌ها و ایده‌های آمریکا کمک کند." (کریگ، ۲۰۱۰: ۲-۶)

۳- تهاجم فرهنگی (ناتوی فرهنگی): یکی دیگر از روش‌های جنگ نرم تهاجم فرهنگی یا ناتوی فرهنگی می‌باشد. آمریکا پس از فروپاشی شوروی به دنبال جهانی‌سازی لیبرال دموکراسی است. با طرح نظریه‌هایی مانند موج سوم آلوین تافلر، دهکده جهانی اورول و مک لوهان، جهانی شدن و جهانی‌سازی هابر ماس و کیدنز و نظریه عدالت جهانی راولز و نظریه‌های تکمیل‌کننده مانند فوکویاما (پایان تاریخ) برای غلبه ناتوی فرهنگی لیبرال- دموکراسی بر جهان برنامه‌ریزی کرده است.

ناتوی فرهنگی به دنبال تسخیر مرز جغرافیایی نیست. برای تسخیر مرزهای فکری، اندیشه و فرهنگ ملت‌ها حرکت می‌کند. تسخیر باورها، ایدئولوژی و جهان‌بینی ملت‌ها می‌باشد. بر خلاف استراتژی ناتوی نظامی که به دنبال تسخیر مرز جغرافیایی، منابع و مراکز مهم اقتصادی- تجاری بود. ناتوی فرهنگی کارکردی بلند مدت، پرجاذبه، کم دردسر و کم هزینه دارد. در حالی‌که ناتوی نظامی کوتاه مدت، خشن و سخت، کم بازده، پر درد سر و پر هزینه است. (رابین، ۲۰۰۶: ۵)

هدف اصلی ناتوی فرهنگی به حاشیه راندن فرهنگ، ملی-دینی ملت‌هاست. در این مسیر حاکم کردن فرهنگ لیبرال دموکراسی غربی و سلطه آمریکا و اروپا و پس از آن تأمین اهداف و منافع آن‌ها را تحقق خواهد بخشید. در این روش آمریکا و غرب به دنبال به حاشیه راندن الگوی توسعه جمهوری اسلامی ایران است. با طرح اتهام‌های مختلف (تروریسم بودن- سیاه‌نمائی نظام اسلامی- ضد حقوق بشر و حقوق زنان خواندن- به دنبال سلاح هسته‌ای بودن- ایجاد اختلاف میان مردم و نظام و ...) و تبلیغ مستمر از الگوی توسعه لیبرال دموکراسی و مدل پیشنهادی غربی برای دول اسلامی این حرکت را تکمیل نموده است. (رنجبران: ۱۳۸۸، ۱۴)

۴- براندازی نرم: براندازی نرم روش دیگر جنگ نرم آمریکا است. بدین صورت که با طرح و دفاع از مبانی لیبرال دموکراسی و اسلام آمریکا- اروپائی به جنگ با مبانی اسلام سیاسی، مشروعیت، مقبولیت، مشارکت سیاسی و دستاوردهای آن در ایران می‌پردازد. آمریکا در این براندازی مطرح می‌کند تغییر مسالمت‌آمیز و بدون خشونت حکومت در ایران دستیابی به صلح، آزادی، ثروت و رفاه و ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی را به دنبال دارد. (ضیایی پرور، ۱۳۸۳: ۲۰)

جنبش بدون خشونت (براندازی نرم) شامل اقداماتی از قبیل:

- ۱- اعتراض (تحصن- اعتصاب- مخالفت لفظی- کم کاری- کارشکنی- تجمع پراکنده و مستمر)
- ۲- عدم همکاری با دولت و ایجاد نابسامانی اقتصادی (نافرمانی مدنی- عدم پرداخت مالیات- عدم مشارکت سیاسی و ...)
- ۳- مداخله غیر خشونت‌آمیز (خرابکاری نامحسوس- شعارنویسی- چوب لای چرخ دولت گذاشتن)
- ۴- جذب مخالفان و حمایت از آن‌ها (جرات دادن به مخالفان برای ابراز وجود- سازماندهی و هدایت آن‌ها- کمک مالی به نهادهای آن‌ها و ...) می‌باشد. (موسون، ۲۰۰۵: ۱۷-۱۸)
- ۵- تأسیس نهادهای غیر دولتی به‌طور گسترده (NGO های مختلف): نمونه‌های

نهادهای براندازی نرم در غرب مانند بنیاد هریتیج، سیا، مرکز سابان می باشد که طرح سیا برای براندازی تشیع، تخریب مبانی شیعه، عاشورا، مرجعیت، مهدویت ایجاد اختلاف شیعه و سنی (اصل تفرقه انداز و حکومت کن در براندازی نرم به تفرقه انداز و نابود کن تبدیل شده است) می باشد. افراد بی سواد و احساساتی اصولاً در براندازی نرم به عنوان ستون پنجم به کار گرفته می شوند (استفاده از نقاط ضعف عزاداری، روحانیون کم سواد، مداحان پول پرست بی سواد برای خرافه گوئی و گمراه کردن پیروان ساده لوح و بعد سوء استفاده تبلیغی از آنها و اعمال آنها نمونه هائی از این حرکت است). (رنجبران، ۱۳۸۸: ۱۷۵)

III- ابزارها و ساز و کارهای جنگ نرم:

ابزارهای جنگ نرم عمدتاً از طریق رسانه های جمعی مانند رادیو، تلویزیون، مطبوعات و اخیراً رسانه های مدرن مانند سایت های اینترنتی و شبکه های ماهواره ای می باشد. به گونه ای که امروز حدود ۳۵۰۰ کانال ماهواره ای و ۴۵ هزار سایت اینترنتی به زبان فارسی مستقیم و غیر مستقیم علیه ج.ا.ایران فعالیت می کند. (آرین منش، ۱۳۸۷: ۱) ساز و کارهای جنگ نرم آمریکا علیه ایران متنوع می باشد. که اهم آنها را می توان به شرح ذیل اشاره کرد:

مطالعات
قصدت نم
سال دوم / شماره پنجم / بهار ۱۳۹۱
جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران

دموکراسی سازی

شبکه سازی

انقلاب مخملین

اعطاء بورس

ایجاد شکاف بین دو نسل

الغاء روحیه یأس، ناامیدی و تردید نسبت به الگوی توسعه ایرانی - اسلامی

و آینده کشور

حمایت از میانه روها

حمایت از فدرالیسم

غرب به سرکردگی آمریکا پس از سه دهه استفاده از ساز و کارهای جنگ

سخت (دخالت نظامی - جنگ تحمیلی - تحریم‌های اقتصادی) به این جمع بندی رسیده تا با به‌کارگیری ساز و کارهای جنگ نرم به تغییر یا براندازی رژیم در ایران دست یابد. (مور، ۲۰۰۹: ۱-۳) با به‌کارگیری ساز و کارهای جنگ نرم همان‌گونه که در جنگ سخت سه دسته قربانی (زخمی - معلول - کشته) از دشمن باقی می‌گذارد. چنین قربانیانی نیز در جنگ نرم و بعضاً بدتر باقی می‌ماند.

۱- افرادی که در اثر جنگ نرم دشمن حداقل آسیب فکری و قلبی دیده‌اند. به‌عنوان زخمی این جنگ آثار یأس، ناامیدی، سرخوردگی و افسردگی به آن‌ها دست می‌دهد. (بخشی از مبانی اعتقادی آن‌ها تخریب شده است)

۲- افرادی که در اثر این جنگ نیمی از عقاید و افکار و ایمان آن‌ها تخریب شده است به‌عنوان معلول این جنگ هستند. (منفعل، بی تفاوت، بدون تحرک می‌شوند)

۳- افرادی که حداکثر از جنگ نرم متأثر شده است یعنی تمام عقاید و افکار و ایمان آن‌ها از بین رفته و افکار و عقاید و اندیشه دشمن را پذیرفته‌اند، به‌عنوان کشته‌شدگان جنگ نرم تلقی می‌شوند (به صورت مخالف برانداز می‌شوند). در جنگ سخت کشته‌شدگان برای جبهه خودی یک فقدان و نبود می‌شوند در حالی که در جنگ نرم کشته‌شدگان از جبهه خود خارج (فقدان) و سربازان بالفعل جبهه دشمن برای مبارزه و براندازی نظام سیاسی خودی می‌گردند. (این همان نقطه قوت برتری جنگ نرم بر جنگ سخت است). (بینر، ۲۰۰۸: ۱-۴)

پس از این بحث به ساز و کارهای جنگ نرم می‌پردازیم:

۱- دموکراسی‌سازی (دموکراتیزاسیون): یکی از ساز و کارهای جنگ نرم آمریکا در منطقه خاورمیانه و ایران ترویج دموکراسی آمریکائی است. در این ساز و کار آمریکا در سه دهه گذشته چهار مدل دموکراسی را ترویج کرده است:

۱- دموکراسی تحمیلی: یعنی با زور و اشغال و سرنگونی نظام سیاسی به دنبال استقرار نظام سیاسی جدید به نام دموکراسی باشد. نمونه‌های آن شیوه‌ای است که آمریکا در عراق و افغانستان با اشغال این دو کشور دنبال کرده است.

۲- دموکراسی تجویزی: یعنی با ارائه توصیه‌ها و اصلاحات برای دول دوست منطقه این شیوه را دنبال کرده است. مثلاً تدوین قانون اساسی - ایجاد پارلمان -

برقراری انتخابات- آزادی زنان و مطبوعات. نمونه‌هایی از آن‌را برای دول متحد خود در خلیج فارس (عربستان- بحرین- کویت و ...) را می‌توان نام برد.

۳- دموکراسی تبلیغی: این شیوه عمدتاً از جنگ نرم در آن استفاده می‌شود و هدف تحول و تغییر آن رژیم سیاسی به سوی رژیمی مطلوب برای غرب است. حرکتی که آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و چین و کوبا و ونزوئلا و ... دنبال کرده است.

۴- دموکراسی تبعیضی: بدین صورت که اگر دولتی با مبانی دموکراتیک مثل انتخابات آزاد و رأی اکثریت- دارا بودن نهادهای دموکراتیک شکل گیرد ولی در راستای اهداف آمریکا و غرب نباشد با آن به مخالفت (تبعیض) برمی‌خیزد. مثل حکومت مردمی و منتخب حماس در غزه- حزب الله در لبنان- دولت اکثریت شیعی در عراق و ... را می‌توان نام برد. (دونوان، ۲۰۱۰: ۱-۳)

در ساز و کار دموکراسی‌سازی، غرب به دلیل سلطه رسانه‌ای- هزینه کردن زیاد و شبکه‌ها و نیروهای سازمان داده در درون کشورهای منطقه در صدد است به اسم دموکراسی و حقوق بشر، جریان‌هایی را از صندوق آرا بیرون آورد که در راستای منافع و سلطه او عمل کنند. به همین دلیل است که شیوه‌های چهارگانه فوق را دنبال کرده است و در واقع دموکراسی واقعی که یکی از علل رشد و توسعه غرب در چند قرن گذشته بوده که ریشه‌های بومی و درونی باید داشته باشد را نمی‌گذارد در منطقه شکل گیرد چون دولت‌های دموکراتیک و مردمی با روند سلطه و وابستگی ذاتاً مخالف هستند.

۲- شبکه‌سازی: یکی دیگر از ساز و کارهای آمریکا در جنگ نرم علیه ایران سازماندهی شبکه‌ای از مخالفان و معاندین علیه نظام است (Federation of Rabert Stelaf). رابرت ستلاف (۲۰۱۰: ۲۵). رابرت ستلاف (Rabert Stelaf) آمریکائی جنگ نرم علیه ایران را با سه پیشنهاد مطرح می‌کند. ۱- سازماندهی چتر واحد مخالفان، ۲- ایجاد موج (NGO) مخالفان ایران، ۳- ترویج زبان انگلیسی به‌عنوان وسیله انتقال ایده‌های غرب به ایران. در این شبکه مخالفان مسائلی مانند آموزش‌های دموکراتیک، حمایت از جنبش زنان و برابری جنسیتی، حمایت از حقوق بشر و ... مطرح می‌گردد.

مطالعات

قصدت فورم

سال دوم

شماره پنجم

بهار ۱۳۹۱

جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران

(ماه‌پیشانیان، ۱۳۸۶: ۲)

۳- انقلاب مخملین: در آمریکا بنیادها و مؤسسات متعددی وجود دارد که پس از سقوط شوروی سابق برنامه‌ریزی و بودجه تخصیص داده تا آمریکا اقدام به براندازی نظام‌های ضد آمریکائی با توسل به انقلاب‌های رنگین انجام دهد. این انقلاب‌ها تا کنون در روسیه سفید- قرقیزستان- ازبکستان- آذربایجان- تاجیکستان و اخیراً در ایران با صرف میلیون‌ها دلار دنبال شده است. از جمله این بنیادها، بنیاد سورس- صندوق اتحادیه ملی برای دموکراسی- مؤسسه آلبرت اینشتین- مؤسسه هادسون- مؤسسه ایالات متحده برای صلح می‌باشد. شیوه اصلی این ساز و کار، برنامه‌ریزی داخلی و خارجی در کشور هدف با پرداخت هزینه‌ها از جمله هزینه رسانه‌ای، حمایت از نهادهای مدنی متمایل بر غرب، آموزش تخصصی مراحل انقلاب مخملی به رهبران آن، بسیج مردمی و جوانان، سازماندهی ارتباطی و اطلاعاتی و تبلیغی تا دستیابی به هدف یعنی سقوط آن نظام و جایگزینی جریان مطلوب غرب پیش می‌رود. (رنجبران، ۱۳۸۸: ۱۴۵-۱۲۰)

۴- اعطای بورس تحصیلی: یکی دیگر از ساز و کارهای غرب علیه جمهوری اسلامی ایران در جنگ نرم از طریق جذب دانشجوی و متخصص ایرانی به آمریکا است. روشی که آمریکا در طول جنگ سرد علیه شوروی به کار برد و همین فارغ‌التحصیلان، عاملی در براندازی نرم در شوروی سابق بودند. حمایت از اعطای بورس‌های علمی- فرهنگی به ایرانیان می‌تواند به‌عنوان تقویت‌کننده برنامه‌ها و فشار برون مرزی آمریکا به ایران باشد. عباس میلانی مدیر پروژه دموکراسی در ایران دانشگاه استانفورد آمریکا (هاور) می‌گوید: با حمایت از بورس دانشجویی می‌توان دیپلماسی نرم را با دیگر ساز و کارهای تکمیلی (تأثیر رسانه‌ای... برنامه‌های اینترنتی و ماهواره‌ها) به پیش برد. بعضی از متخصصین آمریکا معتقدند، آمریکا در قبال ایران نسبت به اقدامات نرم در شوروی سابق عقب مانده است. زیرا باید در ایران سفیر و سفارت می‌داشت، بورسیه زیاد می‌داد و دپارتمان‌های ایران- اسلام و تشیع‌شناسی تأسیس می‌کرد. (اقداماتی که در جنگ سرد با مطالعات مارکسیسم، روسیه‌شناسی علیه شوروی کرده بود). خانم رایس می‌گوید: "در سال ۱۹۷۵

دویست هزار دانشجوی ایرانی در آمریکا بود و امروز به ۲ هزار تقلیل یافته است که باید این ساز و کار عوض شود". (بینر، ۲۰۰۶: ۲)

میلانی می گوید "باید اعطاء بورس به ایرانیان افزایش یابد، ویزا گرفتن برای ایرانیان به دلیل فقدان سفارت آمریکا در ایران تسهیل شود، و مطالعات ایران و اسلام و شیعه‌شناسی در آمریکا شکل گیرد" تا بدین طریق رشد دموکراسی و تحول نرم در ایران عمل شود. (همان: ۳)

۵- ایجاد شکاف بین نسل جوان و پدران انقلاب کرده: یکی از ساز و کارهای غرب برای جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران تلاش برای ایجاد و یا تشدید شکاف نسلی در ایران است. با القاء و تقویت مسأله شکاف نسلی و سوء استفاده از آن به دنبال تضاد درون خانواده و اجتماع ایران هستند تا با برخورد و رو در رو قراردادن دو نسل نظام را تغییر دهند. در تحقیقی توسط تایم جوره (Time Joreh) در مجله تایمز می‌گوید: "شکاف بزرگ اعتقادی- ارزشی میان نسل جوان و پدران انقلاب کرده آن‌ها پدید آمده است. در ایران جوانان دو چهره دارند:

۱- چهره بیرون متأثر از حکومت دینی

۲- چهره درونی و متأثر از غرب

جوانان با رشد اینترنت- ماهواره به سوی ارزش‌ها و مدل‌های غرب آمده‌اند. (محمدی، ۱۳۷۹: ۳۰) لباس‌های غربی می‌پوشند، حجاب کاهش یافته، موسیقی غربی گوش می‌دهند، جوانان بیکار به دنبال اخذ ویزا برای رفتن به کانادا و استرالیا- زلاندنو و آمریکا برای کسب و کار و درس هستند. "این موارد را نویدی برای ترویج و استقبال لیبرال-دموکراسی غربی در ایران می‌دانند. (مانسون، ۲۰۰۵: ۲۰)

۶- القاء روحیه یأس، ناامیدی و تردید نسبت به الگوی توسعه ایرانی- اسلامی و آینده کشور: یکی دیگر از ساز و کارهای جنگ نرم دشمن تلاش برای به سخره گرفتن و القای شبهه، شک و تردید در مورد دستاوردهای الگوی توسعه ایرانی- اسلامی در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، علمی و تکنولوژیک در سه دهه گذشته است. بدین صورت که تمام دستاوردهای مثبت را تخطئه کرده یا شک و تردید در مورد آن‌ها القاء می‌کند. در حالی که نقاط منفی و ضعف را

مطالعات

قدرت سوم

سال دوم

شماره پنجم

پنج

نهار

۱۳۹۱

جمهوری اسلامی ایران

برجسته می‌نماید. هدف از این ساز و کار ایجاد روحیه یأس، ناامیدی، ترس از آینده و در نهایت تزلزل در اراده مردم و رهبران ج.ا.ایران نسبت به مسیر و الگوی توسعه اتخاذ شده و آینده آن است. هدف دیگر با تبلیغات منفی از مدل توسعه ایرانی با تعبیری مانند تروریست‌پروری، جنگ‌افروز، تلاش‌کننده برای تولید بمب اتم در افکار عمومی دیگر کشورها باعث ترساندن ملت‌های دیگر شده تا از مدل ج.ا.ایران الگوگیری نکنند. (همان: ۲) بدین ترتیب با این ساز و کار یکی دیگر از منابع قدرت نرم ایران را تخریب نموده و روحیه ملی و اعتماد به نفس را برای ادامه حرکت به پیش را از آن‌ها سلب می‌نماید. (وارن، ۲۰۰۹: ۱)

۷- حمایت از میانه‌روها: ساز و کار بعدی قدرت نرم آمریکا همکاری با میانه‌روها در دول خاورمیانه از جمله ایران است. آمریکا معتقد است قلوب و افکار ۹۹ درصد مسلمانان خاورمیانه را میانه‌روها جذب کرده‌اند و یک درصد آن‌ها با تندروهای اسلامی (تروریست) هستند. بنابراین قدرت سخت آمریکا (حتی بمب اتم آمریکا) باید آن‌ها را مهار کند. آمریکا و متحدین او با قدرت سخت خود باید ادامه حیات، آرامش، تردد آزاد و دستیابی آن‌ها به سلاح‌های کشتار جمعی را مهار کند و بقیه را باید با قدرت نرم خود جذب و مدیریت کند. (نای، ۲۰۰۴: ۱۶) جوزف نای معتقد است یک ارتباط تنگاتنگی بین قدرت نرم و سخت آمریکا وجود دارد. او می‌گوید: “جنگ نرم علیه ترور جنگ علیه تمدن‌ها (اسلام و مسیحیت) نیست بلکه یک جنگ مدنی است در درون تمدن اسلامی میان افراطیون اسلامی اقلیت که خشونت را برای اهداف خود به کار می‌برند و میانه‌روهای اکثریت که اهداف خود را از طریق مسالمت‌آمیز مانند همکاری - آموزش - ایجاد اشتغال - رشد بهداشت - احترام به کرامت و بزرگی انسان - دنبال می‌کنند. ما هرگز پیروز نمی‌شویم مگر میانه‌روها پیروز شوند. قدرت نرم ما هرگز اسامه بن لادن و افراطیون را جذب نمی‌کند. ما نیاز به قدرت سخت برای برخورد با آن‌ها داریم. ولی قدرت نرم ما نقش صلیب را در توانائی ما برای جذب میانه‌روها و طرد نیروهای جدید افراطی، بازی خواهد کرد. (همان: ۱۷) به اعتقاد جوزف نای ارزش‌های دنیایی غربی، جهانی است و حتی میانه‌روهای مسلمان خاورمیانه آن‌را قبول دارند و در بلند مدت در جنگ نرم

با استفاده از این ساز و کار (همکاری با میانه‌روها) ما پیروز خواهیم شد.

۸- حمایت از فدرالیسم: یکی دیگر از ساز و کارهای جنگ نرم آمریکا علیه ایران حمایت از فدرالیسم و تجزیه ایران است. با شعار حمایت از حقوق اقلیت‌های قومی، زبانی و دینی برای تضعیف و تغییر نظام ایران عمل می‌نماید. تجربه موفق در تجزیه شوروی سابق - یوگسلاوی سابق و ایرلند و عراق است. برای مهار ایران و چین به‌عنوان قدرت‌های مزاحم از این ساز و کار استفاده می‌کند. (ماه‌پیشانیان، ۳۸۶: ۷)

IV- راه‌کارهای عملی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با جنگ نرم:

جنگ نرم غرب به رهبری آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران به طور اخص و جهان اسلام به‌طور اعم یک عزم و برنامه‌ریزی کلان در سطح کشورهای اسلامی نیاز دارد که طرح راه‌کارها و مباحث ریز و جزئی آن از حوصله این مقاله خارج است. ولی راه‌کارهای کلی و کلانی در حوزه‌های مختلف قابل طرح می‌باشد.

در حوزه ملی با توجه به تمرکز بار و فشار اصل جنگ نرم بر ایران یک عزم و برنامه‌ریزی کلان می‌طلبد. اگر بپذیریم که آثار جنگ نرم خطرناکتر، پیچیده‌تر، کم هزینه‌تر برای دشمن و بلند مدت‌تر از جنگ سخت است همان‌گونه که در جنگ تحمیلی اولویت اصلی کشور مسأله جنگ شد و تمام نهادها و احاد ملت در برنامه‌ریزی و مدیریت آن درگیر شدند تا دشمن شکست خورد، امروز این مهم در مسأله جنگ نرم الزامی است. بنابراین همان‌گونه که توصیه خداوند در قرآن کریم "فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم" (بقره: ۱۹۴)، اگر کسی به شما تعدی کرد همان‌گونه مثل خودش به او تعدی کنید؛ (به شیوه خودشان) یا در آیه "واعدوا لهم ما استطعتم من قوه (توبه: ۶۰). برای دشمنان خود هر امکانی را برای مقابله مهیا کنید.

مقام معظم رهبری می‌فرماید: "همین که معمول شده که در بیان‌ها و در تلویزیون و توی تبلیغات و توی دادگاه و توی زبان همه می‌گویند جنگ نرم، راست است. این یک واقعیت است یعنی الان جنگ است..."

..... می‌بینیم دهان‌هائی از حقد و غضب گشوده شده و دندان‌های با غیظ به هم فشرده شده علیه انقلاب و علیه امام و علیه همه این آرمان‌ها و علیه همه آن کسانی که به این حرکت دل بسته‌اند را، این‌ها را انسان می‌بیند. خوب چه کار کند؟ این تمام نشده چون تمام نشده، همه وظیفه داریم. ” (دیدار با هنرمندان، مورخ ۱۳۸۸/۶/۱۴).
با توجه به مباحث فوق به دلیل پیچیدگی و گستردگی حوزه‌ها و آثار جنگ نرم لازم است در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی راه‌کارهای عملی کلان جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با جنگ نرم طراحی و اجرا شود.

الف- راه‌کارهای عملی در سطح داخلی:

مهمترین و حساس‌ترین و مؤثرترین سطح که می‌تواند آثار جنگ نرم را با راه‌کارهای خود خنثی نماید سطح داخلی است زیرا هسته اصلی تخریب ام‌القری فعلی جهان اسلام (اسلام ناب محمدی) جمهوری اسلامی ایران است. با توجه به اهمیت این سطح راه‌کارهای پیشنهادی ذیل قابل طرح است.

۱- بسیج نهادها- نخبگان و مسئولین فرهنگی کشور جهت تدوین برنامه راهبردی و اجراء آن در مقابله با جنگ نرم.

۲- اطلاع رسانی- آگاه سازی- تقویت بصیرت نسبت به تهدید نرم در مدارس- دانشگاه‌ها- رسانه‌ها.

۳- به‌کارگیری نیروهای بسیج و تقویت روحیه آن‌ها و نهادهای انقلاب جهت کمک و برخورد همه جانبه با جنگ نرم.

۴- تقویت روحیه امید به آینده و مقابله با یأس و ناامیدی القاء شده از طریق جنگ نرم.

۵- حفظ وحدت ملی و حمایت نظری عملی از ارکان نظام (ولایت فقیه- جمهوری اسلامی و نهادهای آن).

۶- حفظ و تقویت هویت ایرانی- اسلامی مورد هجوم جنگ نرم.

۷- مقابله به مثل با ابزارهای جنگ نرم جهت افشاگری و خنثی کردن برنامه‌های جنگ نرم دشمن (حرکت آفندی بزرگ کردن نقاط ضعف دشمن، کوچک کردن

نقاط قوت و حرکت پدافندی اقدام جنگ رسانه‌ای - اطلاعاتی و راداری امواجی).
۸- اصالت به کار و پژوهش علمی برای شکل دادن نهضت نرم افزارها.
۹- افشاگری چهره متغیر غرب سلطه‌گر و عوامل داخلی و خارجی آن‌ها در مورد استفاده از ابزار جدید (جنگ نرم) جهت تداوم سلطه جدید (استعمار فرانو).
۱۰- مقابله با هرگونه حرکت اختلاف انگیز و تفرقه انداز - سیاسی - اجتماعی - قومی - دینی - زبانی.

۱۱- تشکیل اتاق‌های فکر جهت اتخاذ بهترین شیوه‌های مقابله با جنگ نرم.
۱۲- توسعه و تقویت برنامه‌های برون مرزی رسانه‌های جمعی ایران به زبان‌های مختلف.

۱۳- برنامه‌ریزی سخت افزارانه جهت از بین رفتن آسیب‌پذیری از جنگ نرم (ایجاد عدالت اقتصادی - اجتماعی - اجراء اصول یا ظرفیت‌های باقی مانده قانون اساسی - تسهیل اشتغال و ازدواج - حمایت از خانواده - توسعه سرگرمی‌های سالم - تسریع و اجراء در برنامه‌های توسعه پنج ساله و چشم انداز بیست ساله نظام).

ب- راه‌کارهای عملی سطح منطقه‌ای:

در سطح منطقه به دلیل آسیب‌پذیری یکنواخت از جنگ نرم با توجه به نقاط مشترک تاریخی - دینی - جغرافیایی که دول خاورمیانه مسلمان دارند نیز با آگاه‌سازی و همکاری می‌توان راه‌کارهایی برای مقابله با جنگ نرم به کار برد.

۱- ایجاد کانال‌های متعدد ارتباطی با مقامات و ملت‌های منطقه جهت آگاه‌سازی از خطرات جنگ نرم

۲- تقویت و توسعه روابط با مردم و مقامات منطقه در حوزه‌های مختلف سیاسی - اقتصادی - اجتماعی خصوصاً فرهنگی - علمی

۳- تلاش جهت بازسازی تمدن - هویت - اسلامی در منطقه

۴- ارتقاء بیداری اسلامی - آزادی‌خواهی - استکبار و صهیونیسم و ظلم ستیزی

در منطقه

۵- تلاش در جهت ثبات منطقه - مشارکت فعال در حل بحران‌های منطقه‌ای و

مطالعات

قصدورت موم

سال دوم

شماره پنجم

بهار ۱۳۹۱

جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران

تقویت دیپلماسی عمومی و کنفرانس در منطقه
۶- تأسیس رسانه‌ها- برنامه‌های مشترک منطقه‌ای برای مقابله با جنگ نرم
عرب.

ج- راه‌کارهای عملی در سطح بین‌الملل:

جنگ نرم به‌طور عام و کلی کشورهای اسلامی و حتی دولت‌های جنوب (در حال توسعه) را از بعد فرهنگی- تمدنی به چالش کشیده و درصدد هضم و به حاشیه راندن آن‌ها به نفع فرهنگ و تمدن لیبرال دموکراسی است. از این جهت نیز این کشورها خطر مشترک را با جمهوری اسلامی ایران احساس می‌کنند در این سطح می‌توان راه‌کارهای عملی با این مجموعه کشورها جهت مقابله با جنگ نرم به کار برد.

۱- توسعه همکاری‌های مختلف سیاسی- اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی جنوب- جنوب.

۲- همکاری با دول جنوب جهت مقابله هم‌جانبه با روند یک‌جانبه خبری- اطلاعاتی- تبلیغی غرب

۳- بسیج جبهه جنوب در به‌کارگیری ابزارهای قدرت نرم خود جهت مقابله با جنگ نرم شمال (استعمار فرانسه) و خنثی کردن و سلطه بر اذهان و قلوب جنوب
۴- تقویت و رشد وحدت اسلامی در کنفرانس اسلامی جهت مقابله با جنگ نرم غرب

۵- توسعه نقش فعال ایران در حل بحران‌های بین‌الملل و نهادهای بین‌المللی
۶- ایجاد دفاتر- سازمان‌ها- نهادهای مشترک رسانه‌ای- فرهنگی خبری با دول جنوب

۷- رشد مبادله دانشجو- محقق- توریسم در دول اسلامی و دول جنوب
۸- تلاش همه‌جانبه جهت معرفی جنبه‌های جذاب و مثبت فرهنگ- تمدن ایرانی- اسلامی و جذب افکار عمومی به سوی ایران
۹- گسترش رسانه‌ها و برنامه‌های ایرانی- اسلامی به زبان‌های مختلف در

رادیو- تلویزیون برون مرزی- ماهواره‌ها- اینترنت

طرح مجموعه پیشنهادات راه‌کار عملی جمهوری اسلامی ایران در سه سطح داخلی- منطقه‌ای و بین‌المللی به این گستردگی در این مقاله به دلیل اهمیت و خطر جنگ نرم است که امید است با اجرا و عملی شدن آن‌ها بتوان با این تهدید مقابله نمود.

نتیجه‌گیری

پس از طرح تعریف، اشکال و ابزارها، منابع، روش‌ها و ساز و کارهای جنگ نرم مطرح گردید. جنگ نرم غرب علیه جهان اسلام به‌طور عام و جمهوری اسلامی ایران به‌طور خاص در چند دهه گذشته شروع شده است. این جنگ ریشه در تضاد و تقابل مبانی و اصول و عقاید دو حوزه فرهنگی- تمدنی اسلام و غرب دارد. در نگرش متفاوت و بعضاً متعارض در نگاه به انسان- جهان و خدا که حدود چندین قرن به اشکال مختلف تعقیب شده و امروزه با ابزارهای مدرن به شکل جنگ نرم درآمده است. علت اصلی سرعت گرفتن این جنگ در بیداری اسلامی- و دستاوردهای داخلی و خارجی جمهوری اسلامی در سطح منطقه و جهان به‌عنوان یک الگوی توسعه الهی- انسانی غیر منطبق با الگوهای توسعه شرقی و غربی ماده‌گرا در سه دهه گذشته بوده است.

جنگ نرم با تعابیر خاص دیگر آن (تهاجم فرهنگی- ناتوی فرهنگی و ...) در چهار حوزه؛

۱- دین‌ستیزی (که ایران دولت مدافع و طرفدار دین است)

۲- اسلام‌ستیزی (که ایران ام‌القرای اسلام است)

۳- شیعه‌ستیزی (که ایران مرکز تشیع است)

۴- ایران‌ستیزی (که ایران مهد تمدن ایرانی است)

فعال می‌باشد. جریان‌های مختلف سکولار، لیبرال- مارکسیست- سوسیالیست و ناسیونالیست‌های عرب- ترک و ... با تمام ابزار و امکانات برای مهار ایران اسلامی به‌کار گرفته شده است تا بیداری و اسلام‌گرایی را با کنترل ایران مهار نمایند.

راه‌کارهای کلان عملی مقابله جمهوری اسلامی ایران در سه سطح داخلی و منطقه و بین‌المللی در این مقاله می‌تواند نتایج جنگ نرم که دوره سوم سلطه‌گری غرب (پس از ۱- استعمار قدیم- اشغال سرزمین با جنگ سخت، ۲- استعمار جدید- اشغال بازار با جنگ نیمه سخت) اشغال اذهان و قلوب با مبانی و ارزش‌های خود است، را خنثی نماید. اگر می‌خواهیم به وعده الهی در قرآن کریم که می‌فرماید: ”ولا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان كنتم مومنین“ سست نشوید و غمگین نباشید که شما برترید اگر ایمان آورندگان هستید. (آل عمران: ۱۳۹) دست یابیم. اگر هجمه گسترده جنگ نرم دشمن نباید در ما ترس، حزن و سستی ایجاد کند باید با استفاده حداکثری از منابع قدرت نرم فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی خود و با برنامه‌ریزی‌های عاقلانه و عالمانه با این تهدید و جنگ مقابله نمود تا بتوان وعده الهی برتری اسلام و مسلمین بر کفار و مشرکین را تحقق داد و آثار جنگ نرم دشمن را خنثی نمود.

منابع

- آیین منش، جواد (۱۳۸۷). «آخرین آمار دیش‌های ماهواره‌ای در ایران»، چهارم آذر ۱۳۸۷،

www.asiran.com

- جعفرپور، محمود (۱۳۸۷). «قدرت نرم: درآمدی بر جنگ‌های رسانه‌ای و رایانه‌ای»، مجموعه مقالات برگزیده همایش بسیج و قدرت نرم، جلد ۱، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع).

- رنجبران، داود (۱۳۸۸). جنگ نرم، تهران، ساحل اندیشه تهران.

- زرشناس، شهریار (۱۳۸۷). اشاراتی درباره لیبرالیسم در ایران، چاپ دوم، تهران، انتشارات

مطالعات
قدرت نرم کیهان.

- سلطانی‌فر، م (۱۳۸۷). «قدرت نرم»، وبلاگ روابط عمومی، پنجشنبه ۱۳۸۷/۱۰/۲۸.

- شیلر، هربرت (۱۳۷۷). وسائل ارتباط جمعی و امپراتوری آمریکا، ترجمه احمد میر عابدینی، تهران، نشر سروش.

- صباغیان، علی (۱۳۸۸). «المپیک رسانه‌ها»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۲۹، نیمه آبان ۱۳۸۸.

- ضیایی پرور، حمید (۱۳۸۳). جنگ نرم، تهران، ابرار معاصر.

- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۶). جنگ نرم ۳، نبرد در عصر اطلاعات، چاپ نخست، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

- کلاهچیان، محمود (۱۳۸۷). «بررسی و نقد قدرت نرم در گفتمان غربی»، مجموعه مقالات برگزیده همایش بسیج و قدرت نرم، جلد ۱، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، دانشگاه امام صادق (ع).

- ماه‌پیشانیان، مهسا (۱۳۸۶). «راه‌کارهای آمریکا در جنگ نرم با جمهوری اسلامی ایران»،

سال دوم / شماره پنجم / بهار ۱۳۹۱
جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران

فصلنامه علمی - تخصصی عملیات روانی، سال پنجم، شماره ۱۸، تهران، معاونت فرهنگی ستاد مشترک سپاه، زمستان ۱۳۸۶.

- محمدی، مجید (۱۳۷۹). ماهواره‌ها، تهران، نشر قطره.

- نائینی، علی محمد (۱۳۸۷). «معنا و مفهوم قدرت و تهدید نرم در مطالعات امنیتی»، مجموعه مقالات برگزیده همایش بسیج و قدرت نرم، جلد ۱، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، دانشگاه امام صادق (ع).

- نای، جوزف (۱۳۸۳). «کاربرد قدرت نرم»، ترجمه سیدرضا میرطاهر، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دوم، زمستان ۱۳۸۳، شماره ۶.

- نای، جوزف (۱۳۸۴). «قدرت نرم و سیاست خارجی آمریکا»، ترجمه سهراب الغای علمداری، ماهنامه اطلاعات راهبردی، شماره ۳۴، اسفند

- نای، جوزف (۱۳۸۲)، قدرت نرم، فصلنامه راهبرد، تهران، شماره ۲۹، پائیز

- ورنر، سورین؛ جینز، تانکار (۱۳۸۴). نظریه‌های محورهای ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- Beeher, Lionel (2006). U.S. Soft Diplomacy in Iran, [http://www.cfr.org](http://www.cfr.org/Publication), Publication 17, Feb 2006

- Craig, Elijah (2010), Imperialists seek war with Iran, <http://theredphoenix.wordpress.com>, 072010/02/.

- Donovan, G. Murphy (2010). Soft Power and No plan for Iran <http://www.americanthiner.com>, 42010/

- Federation of American Scientists, (2009). Intel Budget Discourse and the Myths of Security, www.Far.org

- Kagan, Robert (2006). It's the Regime stupid, Washington post 29, Jan, 2006.

- Monson, Micher G. Major (2005) American soft power: An Innovative approach to Neutralizing Iran's Growing security Threat, A Research Report submitted to the faculty, Air command and State College, Air University, USAF. Alabama, U.S.A.

- Moore, Charles (2009). Barak Obama needs to be forceful in using soft power against Iran, <http://www.telegraph.co.uk>. 19, Jun, 2009.

- Nye, Joseph, S. (2004). The Decline of America's soft power, Foreign Affairs, May/ June 2004, volume 83, on-line Internet, available at <http://web6.epnet.com>

- Robin, Michael (2006), Can Iran be Trusted? Middle Eastern out look AEI. Sept.

- Warren, Nelson (2009). U.S. Congress dumps Iran "soft war" Funds, <http://findarticles.com>.